

در هر یک از اتاق‌های منزل با محل کار مکانهای امن را تعیین کنید. این مکان می‌تواند زیر یک میز محکم، یا کنار دیوار داخلی به دور از پنجره باشد.

## قدردانی از همت زنان داوطلب

فعالیت پررنگ زنان جاده ساز نه تنها مردم را به تحسین واداشته بلکه موجب شده مسئولان هم برای تقدیر و ترویج این نوع فعالیت داوطلبانه آستین همت بالا بزنند. چند ماه پیش بود که مدیر کل راهداری و حمل و نقل جاده‌ای چهارمحال و بختیاری در جلسه‌ای که با هدف تجلیل از زنان جاده‌ساز برگزار شده بود با اشاره به مشارکت آنها در حوزه جاده‌سازی جاده گل سرخ در روستای مصصامی از توابع شهرستان کوهرنگ گفت: با توجه به اینکه زنان استان همت والایی دارند می‌توانند در کمک به بخش حاکمیتی و رفع مشکلات نقش به سزایی داشته باشند بنابراین می‌توان از این ظرفیت برای کاهش تصادفات جاده‌ای هم استفاده کرد. تصادفات جاده‌ای یکی از دغدغه‌های همیشگی مسئولان است و حقیقتاً بخش حاکمیتی به تنهایی نمی‌تواند در حوزه ایمنی جاده‌ها ورود پیدا کند در همین زمینه می‌تواند زنان در بحث اجتماعی و فرهنگ‌سازی این مقوله ورود پیدا کنند.

### داوطلبان نمونه

#### زنان جاده‌ساز تابوی بزرگی را شکستند

«فاطمه مقیمی» از زنان کارآفرین و موفق است که آوازه اش بعد از انتشار لیست مولتی میلیاردرهای ایرانی سرزبان‌ها افتاد. او به عنوان کارآفرین برتر، عضو هیات رئیسه اتاق بازرگانی هم هست. ناگفته نماند که فعالیت این بانوی کارآفرین در حوزه‌ای کاملاً مردانه، به شهرت او دامن زده است. مقیمی، صاحب شرکت حمل و نقل بین‌المللی است و همین مسأله باعث شده تا همه او به چشم زنی توانمند در این عرصه نگاه کنند. او می‌گوید: «من با ورودم به این حوزه راه فعالیت برای زنان در بخش‌های مردانه را باز کرده‌ام.» گزارش زندگی نخستین زنان جاده‌ساز ایران بهانه‌ای شد که سراغ مقیمی برویم تا او را بر ایمن از دشواری حضور زنان در عرصه فعالیت‌های اجتماعی و کار بزرگ زنان چهارمحال و بختیاری بگوید.

#### ● به نظر شما کار نخستین زنان جاده‌ساز ایران تا چه اندازه مهم است؟

وقتی می‌شنویم تعدادی از زنان امدادگر جمعیت هلال‌احمر با نشستن پشت خودروهایی سنگین راه‌سازی، گره از کار هموطنانمان باز می‌کنند و کار زمین‌مانده‌ای به همت آنها به پایان می‌رسد تنها می‌شود به این زنان افتخار کرد. باید این راه و این کار بزرگ تبلیغ شود و آوازه شیرزن بختیاری به گوش همه برسد. آنها تابوی بزرگی را شکسته‌اند. خوشبختانه جمعیت هلال‌احمر این ظرفیت را برای زنان ایجاد کرده و بستر حضور قدرتمند آنها پایه پای مردان در عرصه‌های امدادی را فراهم کرده است. کاری که در نوع خودش کم‌نظیر است و باید به عنوان الگو در سایر بخش‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مورد توجه قرار گیرد.

#### ● فکر می‌کنید کار این زنان امدادگر به سختی کار شما بوده؟

خیلی دشوار تر بوده است. همه فکر می‌کنند چون من شرکت حمل و نقل بین‌المللی دارم حتماً راننده ماشین سنگین هم هستم اما واقعیت این است که این کار را انجام نمی‌دهم و مطمئناً زنانی که چنان جسارتی به خود داده‌اند، زانای قوی و با اراده هستند که برای کمک به مردم مناطق محروم حاضرند مقابل موانع متعدد، طعنه‌ها و افکار مخالف بایستند.

#### ● فکر می‌کنید چه موانعی باعث حضور کم‌رنگ زنان در عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی شده است؟

ما پیش از این که علل و عوامل اقتصادی و اجتماعی را دخیل بدانیم باید نوک پیکان صحبت‌هایمان در این بخش را به سمت تفکراتی نشانه‌بگیری که علیه رشد و توسعه‌ای که طی سال‌های طولانی در کشور ما اتفاق افتاده، هنوز هم اجازه نمی‌دهند تا زنان فارغ از تفکیک‌های جنسیتی در بخش‌های مختلف فعال شوند.

#### ● اما در سال‌های اخیر راه برای ورود زنان به عرصه‌های به‌ظاهر مردانه باز شده است، اینطور نیست؟

بله، امروز شاهد حضور زنان تحصیلکرده در رشته‌های سخت مردانه‌ای چون مهندسی هستیم. چرا باید در برابر فعالیت زنان در بخش‌های مردانه جبهه‌گیری شود. در دین ما هم تأکید شده که زن و مرد مکمل همدیگرند. فکر می‌کنم ما نیازمند تغییر نگاه اجتماعی هستیم. تلاش و موفقیت زنان امدادگر هلال‌احمر مثال روشنی است که نشان می‌دهد زنان می‌توانند نه تنها در عرصه‌های مردانه بدرخشند بلکه در شرایطی دشوار کاری را به سرانجام برسانند که شاید تا توان مردان هم خارج باشد.



می‌کند: «سال نخستی که ما به عنوان امدادگران جاده‌ای حاضر شدیم خانم‌های امدادگر همراه با یک راننده مرد آمبولانس بودند. هم نشستن در ماشین سخت بود هم کار امدادسانی دشوار می‌شد. از همان سال تصمیم گرفتیم برای اخذ مجوز رانندگی خانم‌ها پشت آمبولانس محکم بایستیم.» حرف‌های رفعت‌خانم یادآوری خاطرت لیخند را بر لب دوستان می‌نشاند: «برای این که خودمان را اثبات کنیم باید دست به فرمانمان خوب می‌شد. از برادرم خواهرش کردم مرا همراهی کند. به خاطر همین مدتی هر روز همراه او به رانندگی در زمین‌های خاکی و پر دست‌انداز مشغول شدم. بعد که از رانندگی‌ام مطمئن شدم شروع کردم به ایارد و اشکال گرفتن از همراهی مردان با زنان در آمبولانس. اینقدر گفتیم و گفتیم تا این که بالاخره فرمان آمبولانس‌ها را به دست گرفتیم.» حالا ۴ سال می‌شود که رفعت‌خانم و دوستانش همراه رانندگی آمبولانس را تجربه کرده‌اند. البته این تنها تجربه آنها نیست و این زنان دست پری هم در فرود و صعود از بالگرد دارند. همه آنچه باعث شده این زنان عاشقانه با موانع دست و پنجه نرم کنند، عام‌المنفعه بودن کارشان است. رفعت‌خانم می‌گوید: «همین که تلاش ما برای خدمت به مردم است نه در آمد بیشتر، ما را جسورتر کرده است. اگر کار برای خاندانم شاید موفق نمی‌شدیم. امروز در سایه لطف خدا و دعای مردم مناطق محروم توانستیم گره‌های کوری را برای مردم باز کنیم که امروز از عهد مردان بر نیامده است.»

همتی برای باز کردن این جاده‌های روستایی نکرده بودند. اما ما همه سختی‌ها وارد کار شدیم.»

#### نبرد برای خدمت به مردم

حرف‌های نیره خانم که به این جامی رسد «فعلت فتحی» راننده ۳۸ ساله آمبولانس تنی مردانه به صدایش می‌دهد: «حیف نیست این توپو تا زیر پای شما زنان است!» باین حرف همه می‌زنند زیر خنده. رفعت‌خانم داستان پشت‌این جمله را برایمان تعریف می‌کند: «این جمله مردانی بود که برای اولین بار زنان امدادگر چهارمحالی را پشت آمبولانس‌ها دیدند. آن روز را هیچ وقت از یاد نمی‌برم. برای مردان قابل باور نبود این که زنی را پشت فرمان آمبولانس‌های شیک هلال‌احمر ببینند. اما ما همه سختی‌ها و مشقت‌ها توانستیم این کار را عملی کنیم.» رفعت‌خانم راست می‌گوید در حالی که هنوز در هیچ نقطه‌ای از ایران حتی اورژانس هم اجازه هدایت آمبولانس‌ها را به زنان نمی‌دهد و در میان تکنیسین‌های اورژانس باین سابقه طولانی فعالیت جایی برای حضور زنان دیده نمی‌شود. همین مسأله باعث شده تا در دانشگاه‌ها هم رشته‌ای برای تحصیل زنان در بخش اورژانس نباشد. این در حالی است که جمعیت هلال‌احمر ایران به دور از هم‌این محدودیت‌ها این فرصت را برای زنان امدادگر ایجاد کرده تا آنها هم برای مردان در حوزه‌های امدادی به صورت عملیاتی وارد شوند. البته این مهم هم در سایه تلاش همین تیم، محقق شده است. تلاشی که رفعت‌خانم قصه‌اش را طین اورژانس برایمان روایت

### وقتی تیم ۳۰ نفره زنان امدادگر هلال کوهستان جاده‌سازند

# در روستای گل سرخ دیگر کسی نمی‌میرد

فاطمه عسکری نیا | یکی با لباس رنگ به رنگ بختیاری، بالچک و جومه و مینانشسته پشت گریدر. دست فرمان آن یکی در رانندگی آمبولانس حرف ندارد. یکی دیگر انگار به دنیا آمده تا کامیون براند. باور کردنش آسان نیست. اینکه یک گروه از زنان با بهتر است بگویم شیرزن چهارمحال و بختیاری به عنوان نخستین زنان جاده‌ساز ایران داوطلبانه پایه عرصه کاملاً مردانه‌ای بگذارند و با همت و تلاشی مثال زدنی بر چسب «نومی توانی؟» را پاک کنند. در آغاز کار طعنه‌ها و سرزنش‌ها کم نبود: «کار شما نیست! چه معنی داره به زن بشینه پشت لودر و گریدر؟»، «کی گفته شما بیای جاده‌سازی کنی؟»، «زن تو باید بشینی خونه آشپزی کنی؟» و... اما کم‌کم همه این خرده‌گفتن‌ها جایش را به تحسین و تمجید داد. قصه، قصه زانای است که به دل کوره‌راه‌ها می‌زنند تا مردم اسیر در روستاهای مسدود شده از برف و بوران را نجات دهند. آن هم بدون هیچ چشمداشتی! کاری سخت که داوطلبانه است و رایگان!

#### لیخند بر لب مردمان محصور

اولین برف که در منطقه کوهرنگ به زمین می‌نشیند، صدای زنگوله گل‌های دام که همراه مردان منطقه، راهی قشلاق می‌شوند، سمفونی زندگی را در زمین‌های پر از گل و دشت‌های خیس از سرما به راه می‌اندازد. مردان همه راهی قشلاق می‌شوند و زنان و کودکان در کنار سالخوردگان منطقه در روستاهای محصور از برف و گل و لای باید چشم انتظار برگشتن باشند. داستانی تکراری که سال‌های سال است در روستاهای این منطقه اتفاق می‌افتد. خدا آن روز را نبورد که یکی از اهالی بیمار شود یا مردم بخوانند برای تامین نیازی راهی شهر شوند، آن وقت است که جاده‌های بسته مثل غولی سیاه برای اهالی رجز خوانی می‌کند. غولی که امسال در نبرد با دست‌های زنانه جمعی از زنان داوطلب جمعیت هلال‌احمر ایران سرنگون شد تا لیخند شادی بعد از سال‌ها بر لب اهالی روستای «گل سرخ» در منطقه بنشیند.

#### امدادگران خستگی‌ناپذیر

زنان امدادگر آستین همت بالا زدند و یک‌ماه هر روز از ۷ صبح تا ۷ شب پشت ماشین‌های سنگین نشستند مقابل آنها گردنه‌های پر پیچ و خم تا دره‌های عمیق و کوه‌های سخت بوداما برای یک لحظه هم پانس نکشیدند.

مهوش اسدی، سرپرستی این تیم جاده‌ساز را عهده دار است. زنی ۵۶ ساله که در کارنامه زندگی داوطلبانه‌اش ربع قرن سابقه حضور در جمعیت هلال‌احمر دیده می‌شود. قصه زندگی‌اش را که برایمان ورق می‌زند دنیای زنانه‌اش پر از هنرهای ظریفی است که برای روزی روزگاری او را به سمت جمعیت هلال‌احمر سوق داد: «من برای اولین بار به عنوان مربی خطایی و گلدوزی در کارگاه‌های حرفه و فن جمعیت هلال‌احمر حاضر شدم. بعد از مدت کوتاهی سراغ کلاس‌های امدادی رفته و آموزش دیدم. هر چه بیشتر به سمت فعالیت‌های امدادی می‌رفتم عشق و علاقه‌ام به این حوزه بیشتر می‌شد.» در حالی که می‌خندد می‌گوید: «یک وقت به خودم آمدم که دیدم راحت مثل آب خورند از کوه و صخره‌های سخت بالا می‌روم و بر عکس

### ما یک تیم ۳۰ نفره از زنان امدادگر کوهستان هستیم؛ زانای که سال‌های سال در سخت‌ترین شرایط کاری، امداد در کوهستان را انجام داده‌اند. کسانی که اجازه نمی‌دهند تفاوت‌های جنسیتی مانع فعالیت‌های اجتماعی‌شان شود

بخواید زیاد بود اما این حرف‌ها باعث می‌شد تا ما عزممان را برای انجام این کار بیش از پیش جزم کنیم.» مهوش خانم در این پروژه وقتی با لباس محلی زنان پشت گریدر نشست تا بیشتر باعث تعجب همگان شود: «ما یک تیم ۳۰ نفره از زنان امدادگر کوهستان هستیم؛ زانای که سال‌های سال در سخت‌ترین شرایط کاری، امداد در کوهستان را انجام داده‌اند. کسانی که نه از سختی‌ها هراسی دارند، نه اجازه می‌دهند تفاوت‌های جنسیتی مانع فعالیت‌های اجتماعی‌شان شود. روزی که ما وارد کار جاده‌سازی شدیم مردان گالیبه کردند و گفتند زنان می‌خواهند جای ما را بگیرند. مردانی که تا آن روز هیچ کدام

به منطقه گل سرخ می‌روند و می‌بینند مردم روستا چگونه باید زمستان‌های سرد را پشت جاده‌های بسته سپری کنند دلش می‌گیرد و تصمیم می‌گیرد کم‌ر همت را ببیند برای کمک‌سانی به همین مردم. «الحق که به گفته خودش اهالی روستا هم تنهاایشان نگذاشته و به کمکشان می‌آیند: «روزی که وارد روستا شدیم و صحبت از بازگشایی روستا توسط تیم زنان شد، پذیرش موضوع از سوی اهالی روستا کار آسانی نبود. همه خیلی متعجب می‌پرسیدند مگر زن هم می‌تواند پشت کامیون بنشیند و جاده بسازد؟ ما جواب تمام این سوال‌ها را عملی و با انجام کار به زنان و مردان روستا نشان دادیم. وقتی دیدند شدنی است، همه به یاری‌مان آمدند. دختران روستا ما را در نقش برداری از جاده کمک کردند. دانش آموزان یک مدرسه شبانه‌روزی کار تهیه غذا را برای ما انجام می‌دادند و سالخورده‌ها هم با درست کردن چای و دلگرمی‌دادن به ما باعث شدند تا این پروژه به موفقیت دنبال شود.» او از بازخوردهای این کار در شبکه‌های مجازی برایمان می‌گوید: «وقتی عکس‌های گروه‌ها در شبکه‌های مجازی منتشر شد و تشویق مردم را دیدیم به خودمان بالیدیم. به همه زانای بالیدیم که مردانه در روزهای سخت یا به عرصه کمک می‌گذارند. امروز خوشحالمیم که به همه ثابت کردیم ما می‌توانیم.»

«میانه‌های مقدم» بزرگترین عضو این گروه، بانوی ۵۸ ساله‌ای است که ۲۰ سال پیش برای اولین بار لباس خوش رنگ هلال‌احمر را بر تن کرد. او راننده کمپرسی و یک جورهایی قوت‌قلب گروه است. باینکه در شهر کار بزرگ شده‌اما خلق و خوی جنوبی‌اش هنوزم که هنوز است همراه اوست. سابقه فعالیت‌های داوطلبانه و امدادی‌اش بر می‌گردد به دوران قبل از انقلاب: «آن زمان من در گروهی به نام گروه خدمت‌گزار بشر فعالیت می‌کردم. فرقی نمی‌کرد هر جا که مردم نیاز به کمک داشتند ما بار و بنه می‌بستیم و راهی می‌شدیم. بعد از انقلاب این فعالیت‌ها در جمعیت هلال‌احمر ایران دنبال شد. من عاشق کارم بودم و به همین خاطر با گذراندن دوره‌های امداد کوهستان و صخره‌نوردی در بخش نجات کوهستان مشغول به کار شدم.» او هم مانند دیگر تیمی‌هایش عاشق انجام کارهای سخت است. ابرویی بالا می‌اندازد و می‌گوید: «ما زنان روزهای سختیم.» باین جمله برقی در چشمان هم تیمی‌هایش می‌دود. اشاره به وضع جاده‌های سخت روستایی در استان چهارمحال و بختیاری باعث می‌شود آه بلندی بکشد: «در استان ما روستاهایی هستند که مردمش باید کل زمستان را پشت جاده‌های بسته بمانند. گاهی بچه‌ها به علت بسته بودن راه در زمستان یا تخریب پل‌ها در پاییز از رفتن به مدرسه باز می‌مانند. این‌ها چیزهایی

نیست که ما ساده از کنارشان بگذریم. دلم می‌گیرد وقتی می‌بینم می‌توانیم کاری انجام دهیم اما فقط دست روی دست می‌گذاریم. خیلی‌ها ما را متهم به کار رایگان و بد عادت کردن دیگران می‌کنند و می‌ترسند کار و بارشان بخوابد اما ماهیت کار ما در جمعیت هلال‌احمر کار داوطلبانه و خدمت رایگان است.» مینا خانم که صاحب دو فرزند است همسر و مشوق خود را دو سالگی می‌شود از دست داده است: «امروز فرزندانم با الگو گرفتن از من فعالیت‌های خوبی در عرصه امدادسانی و کمک به هموطنانشان دارند و من خوشحالم که توانستم به عنوان یک مادر، درس مهربانی و کمک به دیگران را به فرزندانم آموزش بدهم.» از سختی‌های کار جاده‌سازی برایمان می‌گوید: «از آنجا که جاده‌سازی اولین تجربه ما بود کار خیلی سختی بود اما در سایه کمک خدا و همراهی مردم روستا موفق شدیم بعد از دو ماه شاهد بازگشایی راه باشیم. شاید باورتان نشود خنده‌ای که بر لب اهالی نشان‌دهیم از میلیاردها تومان دستمزد برای مالز زشمند تر بود و هست.» قصه زنان جاده‌ساز چهارمحال و بختیاری با ساختن جاده گل سرخ بسته نمی‌شود زانای که تازه همه باورشان کرده‌اند و خودشان هم در پی تشکیل تیمی منسجم‌تر هستند؛ تیمی که بتواند هر روز راه‌های بسته بیشتری را به روی مردم روستایی باز کند.

مافی توانیم

همین طور که مهوش خانم از پیستی و بلندی‌های کارشان برایمان می‌گوید، «نیره صنعتی خیرآبادی» دیگر عضو تیم جاده‌ساز سری به نشانه تأیید گفته‌های هم تیمی‌اش تکان می‌دهد او در این تیم کار هدایت کمپرسی را بر عهده دارد. بانوی ۴۰ ساله‌ای که سابقه حضورش در جمعیت هلال‌احمر چهارمحال و بختیاری به ۶ سال پیش بر می‌گردد: «سابقه رانندگی با کمپرسی توسط من بر می‌گردد به دورانی که همراه با برادرم در جاده‌های بیابانی به این کار مشغول بودم. من همیشه عاشق انجام کارهایی بودم که همه می‌گفتند از عهده زنان بر نمی‌آید.» در حالی که چای هیزمی می‌ریزد و به ما تعارف می‌کند می‌گوید: «ما همانطور که در انجام کارهای زنانه تجربه داریم در کار انجام کار سخت مردانه هم کم نمی‌آوریم.» با حرف‌های نیره خانم همه دوستانش می‌خندند و او ادامه می‌دهد: «کار در جمعیت هلال‌احمر را با فراگیری کمک‌های اولیه شروع کردیم. اصلاً استش را نخواهید دروازه ورود به جمعیت یادگیری همین کمک‌های اولیه است. بعد که یاد گرفتی چطور می‌توانی حداقل کمک را به هم‌نوعان انجام دهی، آن وقت می‌توانی در بخش‌های دیگر هم وارد شوی. کاری که ما و همه دوستان با هم انجام دادیم.» نیره خانم هم وقتی همراه دیگر اعضای تیم برای امدادسانی